

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

خالق داد پغمانی – موشن

۲۳ جنوری ۲۰۱۴

مصاحبه با شیطان

در این اواخر مقالات متعددی که از جانب استادان گرامی و عزیز القدرم آقایان «سدید» و «آزاد ل.» به ارتباط اندیشمندان اسلامی و عالمان دینی و یا به عبارت دیگر دین شناسان و اسلام شناسان، در پورتال تابو شکن ما منتشر می گردد، با وجود تمام خوبی ها و آموزندگی هائی که دارند، به فکر قاصر و عقل ناقص من، تا حدودی یک جانب قضیه را دیده و جانب دیگر قضیه را که نقش تربیتی و آموزگاری همان قشر دین شناسان و اسلام شناسان است با تأسف از طرف آنها متبارز نگریده است.

به اجازه هر دو استاد بزرگوار، من در حد توان خواهم کوشید تا در آن بعد نیز نظر بیندازم، امیدوارم این نظر اندازی را به مثابه دخالت بیجا ننگریسته، هرگاه خواسته باشند بیجا نخواهد بود تا این جهت را نیز با قلم های بران و افشاء گران هر چه بیشتر تکامل ببخشند.

به دنبال پیشرفت هائی تخنیکی که «امنیت ملی امریکا» و ۱۵ نهاد استخباراتی مشابه دیگر در ایالات متحده امریکا و همسویی های شجاعانه «ام. آی. ۶» و «ام. آی. ۵» انگلیس و نهاد های دوست و مشابه آنها در اروپای متحد و کلیت ناتو، بدان دست یافتند. به علاوه کسانی مانند «جولین آسانژ» و «سنودن» که توانسته اند فقط مشتکی از خروار معلومات آن را در اختیار همگان قرار دهند، تعدادی از خبرنگاران حرفه ئی «پاپاراتزی» که به دنبال یافتن یک خبر ناب چین و ماچین را زیر پا گذاشته از هفت خوان رستم عبور می نمایند، نیز در صدد آن برآمدند، تا از تنور داغ موجودیت ابزار جاسوسی در هر کوچه و پس کوچه ای، سود جسته، بر آن اسراری دست یابند که تا هنوز نه آسانژ بدان دست یافته است و نه هم سنودن.

آنها با حرکت از این اعتقاد که «جوینده یابنده است» است، مدتی وقت خود را به تمام مراسلات ایمیلی و مکالمات تلفونی اختصاص دادند، اینها بعد از مدتی متوجه شدند، که در بین میلیارد ها ایمیل و مکالمه، ایمیل ها و مکالماتی هم وجود دارد که نه گیرنده آن روشن و مشخص است و نه هم فرستنده آن، مگر نفس ایمیل وجود دارد، آنهم با چه محتوایی!!

وقتی تلاش شان به اینجا رسید، بدان فکر افتادند تا به کمک یکی از هکر های معروفی که شاگردان مکتب هندی هکر ساز، به گردش نرسند، آن ایمیل ها را هک نمایند، شاید در آن صورت به نتیجه ای برسند. این کار شان سودمند واقع شده، در نهایت دریافتند که صاحب آن ایمیل ها شخص «شیطان رجیم» است که با استفاده از توانائی های شیطانی خود، بر علم بشری نیز سایه انداخته، حضورش را در بسیاری جا ها از طریق ایمیل، فیس بک، توئیتر و امثال آن دایمی می سازد.

دسترسی به چنین رازی همان و پافشاری خبرنگاران برای شیطان جهت گرفتن یک مصاحبه همان. از آنها پافشاری و از شیطان خودداری. سرانجام خبرنگاران کار را به رسوائی کشانیده طبق معمول با تهدید شیطان به این که ایمیل هایش را علنی خواهند ساخت، شیطان را که تا آن زمان به خدا باج نداده بود و چیزی را که مورد قبولش نبود نپذیرفته بود، وادار به تسلیم ساخته، این مصاحبه مشروط را با وی برگزار نمودند:

خبرنگار: شیطان جان خوش آمدی به پروگرام ما.

شیطان: از خوش آمدی گپ تیر است، مقصدت را بگو که چه می خواهی، من از همان روز اول خلقت می دانستم که در خمیره اولاد آدم کار بدون مقصد وجود ندارد.

خبرنگار: باز هم «بگیر که نگیرم» می کنی، در عوض آن که ما اولاد آدم از تو شکای باشیم، می خواهی ما را یک تنگه قرضدار هم بسازی.

شیطان: قصه دراز است. گپت را بپرس که من از خود صد کار و وظیفه دارم.

خبرنگار: من از اول گفتم که سؤال زیاد ندارم. فقط می خواهم بدانم که وقتت را چگونه می گذرانی؟

شیطان: وقت من را به تو چه؟

خبرنگار: ببین شیطان جان. اگر سؤال به نظرت درست نمی آید بدان خاطر است که ما از دو جنس متفاوت در ذات و خلقت هستیم. ما آدم خاکی و تو ملک آتشی. اما در واقعیت امر پاسخ به این سؤال که شیطان چه قسم وقت خود را می گذارند، برای ما بسیار جالب است. زیرا ما اولاد آدم از برکت موجودیت تو، در گذشتاندن عمر و ضایع کردن وقت، هیچ مشکلی نداریم و برای آن که وقت ما را نکشد و ما بتوانیم وقت کشتی کنیم از آدم کشتی گرفته تا ویرانی طبیعت و جانوارانش را برای خود تفریح به شمار می آوریم. بر همین اساس می خواهیم بدانیم که تو در غیاب کمکگر و امداد رسانی مانند خودت، چگونه وقت می گذرانی؟

بعد از اندکی مکث:

شیطان: راستش را بخواهی من آنقدر کار دارم که هیچ نیازی به وقت کشتی ندارم، همیشه وقت پیش است و من به دنبالش سرگردان.

خبرنگار: اگر بتوانی واضح تر تقسیم اوقات یک هفته ات را بیان داری، شاید من و خوانندگان بتوانیم خوبتر به مقصدت پی ببریم.

شیطان: در حقیقت تمام هفته را به دو قسمت تقسیم نموده ام: بخش اول رتق و فتق امور جهان است، که کلاً ۳ روز را در بر می گیرد. یعنی ظرف سه روز هفته من تمام قاره های روی کره زمین و موجودات دیگری را که در این عالم نامتناهی وجود دارند، رهنمائی نموده و نمی گذارم تا خدایان جهل و جهالت که از خوردن یک دانه گندم عصبانی شده ناز پرورده و خلیفه اش در روی زمین را بی سر و سرپرست ساخت، بیشتر از این در تاریکی های قرون اسیر و برده نگهدارد.

خبرنگار: ۴ روز دیگر چه؟

شیطان: کسانی که گفته اند «عجله کار شیطان است»، حتماً بیخود گفته اند زیرا می بینم که تو از من بیشتر عجله داری.

خبرنگار: شیطان جان ببخشی. ما را یافتن یک لقمه نان به این روز انداخته که شیطان هم بر ما طعنه بزند. خوب ۴ روز دیگر چه؟

شیطان: ۴ روز دیگر را باز به دو قسمت، تقسیم نموده ام. دو روز آن را خودم به مثابه شاگرد در حوزه های علمیه قم، مشهد، نجف، ازهر و ریاض به تلمذ مشغولم.

خبرنگار: شیطان و درس آموزی؟

شیطان: پس چه؟ فکر می کنی اولاد آدم همانقدر احمق مانده که تمام دار و ندار خود را به یک دانه گندم سودا نموده ادعای پیامبری هم نماید؟ مگر بیت حافظ را که قرن‌ها قبل با اتکاء به نفس بی نظیری، مبارزه طلبی نموده گفت:

پدرم روضه رضوان به دو گندم بفروخت نا خلف باشم اگر من به جوی نستاتم

نخوانده ای؟ خوب با چنین حالی من هم باید دانشم را همه وقته «اپدیت» کنم، در غیر آن کلاهم پس معرکه خواهد افتید. و چه جایی بهتر از حوزه های علمیه؟

خبرنگار: دو روز دیگر؟

شیطان: این دو روز برایم دشواری های زیادی خلق می نماید، زیرا باز هم باید به غرض آموزش، از دانه دانه مساجد، کلیساهای، معابد یهودی، هندوئی و ... خبر گرفته، ببینم که کدام ملا، کشیشی و یا خاخامی در کدام قسمت کره ارض، به منظور فریب مردم و خر ساختن آنها، چنان ابتکاری به خرج داده، که من که هیچ و جای خود دارم حتا خالق ما هم از آن بوئی نبرده بود.

تا صحبت بدینجا رسید، شیطان با یک چیغ بلند و بدون تعیین وقت برای دیدار بعدی، در حالی که همان طور فریاد می کشید و از نظر ها غایب می شد، می گفت:

اولاد آدم، تو من را به گپ گرفتی و ملا باز کار منحصر به فرد خودش را انجام داده و لعنت به من فرستاد، در حالی که از آنچه انجام داد، روح هم خبر نداشت.

خوانندگان نهایت عزیز!

وقتی شیطان چنین به شاگردی اش نزد دین شناسان، اعتراف می دارد؛ آیا من حق ندارم از دو استاد خود گله مند باشم که چرا از خدمات اینچنینی یعنی تدریس شیطان، این قشر چیزی نمی نویسند؟؟